

ما در تمام طول فیلمبرداری‌ها شب کار بودیم و هوا هم سرد بود. ۵ جوان بودیم که خیلی خوب همراه شده بودیم و با توجه به اینکه پیش از این فیلم بیشتر در سریال‌ها ایفای نقش کرده بودم و جزو اولین کارهای سینمایی‌ام بود خیلی برایش ذوق و شوق داشتم و تمام تلاشم را کردم تا به بهترین نحو انجامش دهم به همین دلیل از این وقفه ۷ ساله خیلی ناراحت شدم.

سام حسامی، بازیگر:

همیشه در حال یادگیری بودم

با توجه به اینکه از یک خانواده هنرمند برآمده‌اید سینما برای شما چگونه آغاز شد و ادامه یافت؟

در حقیقت وقتی در چنین خانواده‌ای زندگی می‌کنید محکوم هستید به یاد گرفتن یک سری چیزها، یعنی محکوم هستید به اینکه تئاتر و فیلم ببینید از گالری‌ها دیدن کنید و چیزهای دیگری که برای بسیاری از افراد مهم نیست را بیاموزید.

محکومیت جالبی به نظر می‌رسد!

بله محکومیت خوبی است و من هم از آن راضی هستم. به همین علت شاید مسیری که دیگر افرادی می‌کنند از من به آن معنی تجربه نکردم اما از همان کودکی مدام در حال یاد گرفتن بودم، بازی کودکی من این بوده که از بین پای تماشاگران تئاتر بازی‌های پرویز پرستویی را ببینم و طبیعتاً زمانی که من در این فضا گذراندم باید حاصلی می‌داشت. همانگونه که حتماً هر بچه دیگری در این فضا چیزی یاد می‌گیرد و من تنها صبر کردم تا در زمان مناسب به سمت اهدافم حرکت کنم. خب به واسطه شغل مادرم بعد از مدرسه همیشه سر صحنه و از کودکی شاهد پروداکشن یک فیلم بودم و کاملاً می‌دانستم که دوربین چیست، همه لنزها را می‌شناختم و... اما اینگونه نبود که صرفاً به خاطر اینکه عضوی از این خانواده‌ام به این فکر کنم که می‌توانم بازیگر کنم، بلکه سینما برای من جذاب بود و خودم هم تلاش کردم، کتاب خواندم، در کلاس‌های کارنامه و ورکشاپ‌های مختلف شرکت کردم و همیشه در حال یادگیری بودم تا زمانی که به فیلمی برسم که بتوانم درست اجرا کنم که فیلم «ناکوک» به کارگردانی آقای پورکیان بود ولی متأسفانه ایشان عادت دارند که فیلم سینمایی‌های خوبشان را که در جشنواره‌های مختلف کاندید جایزه شده‌اند اکران نمی‌کنند. پست پروداکشن این فیلم حدوداً ۹۲ سال به اتمام رسید و حال حدود ۱۱ سال از آن می‌گذرد. متأسفانه برخی کارگردان‌ها فکر می‌کنند که اگر مهر توقیف بر فیلمشان بخورد اتفاقی برای فیلم خواهد افتاد در حالی که فیلم بیات می‌شود و زمانش می‌گذرد. خوشبختانه مسعود فرجام این کار را نکرد و من شاهد رشادت مسعود فرجام هستم که چقدر جنگید تا فیلمش به اکران برسد و این تفاوت نسل جدید با نسل قدیمی‌تر سینما است. متأسفانه این نوع نگاه برخی از کارگردان‌ها، جوانی و بیک کاری بازیگرها را می‌سوزاند.

آیا نقش آفرینی در کنار دایی و مادرتان یک فضای امن روانی برای شما ایجاد می‌کرد یا بالعکس؟

نه به هیچ عنوان ایجاد نمی‌کرد و خیلی سخت‌تر بود. من زمانی که بخواهم با مادرم کار کنم تحت فشار زیادی هستم چرا که ما از دو نسل متفاوت بازیگری می‌آییم و هر کدام به نوعی بازیگری را آموخته‌ایم و تکنیک‌های متفاوتی را به کار می‌بریم. در مورد دایی‌ام آذرخش فراهانی نیز این نقش آفرینی آنچنان آسان نبود از آنجایی که شما معمولاً با اعضای خانواده‌تان رودر بایستی ندارید و مشکلاتی که ممکن است به روی همکاران نیاید در اینجا خیلی راحت‌تر ابراز می‌کنید، این مسئله می‌تواند کار شما را سخت‌تر کند اما مسلماً در کنار همه این‌ها مزایایی هم دارد. در این فیلم کار با روشنگر گرامی را هم خیلی دوست داشتم حقیقتاً بازیگر بسیار خوب و با استعدادی است.

آیا برای نقش پردازی‌ها و سکانس بسیار پر تنش راننده تاکسی با چالش‌های مواجه بودید؟

تعریف من از نقش ساده بود و ما در دور خوانی‌ها به این نتیجه رسیده بودیم که در وهله اول نقش‌ها را خیلی سخت نگرییم و در وهله دوم نیز همه بازی روانی داشته باشیم. برخی از پلان‌های آن سکانس را هم به صورت بداهه انجام دادیم. خودم را خوش شانس می‌دانم که کنار چنین بازیگرانی بودم خوشبختانه تیم به حدی با هم دوست و رفیق بودیم که همه با هم جلو رفتیم. در همان سکانس یک سری پلان‌های چیده شده آقای فرجام را هم گرفتیم و اینگونه نبود که تمامش بداهه باشد. اما نمی‌توانم بگویم که خیلی چالش برانگیز بود چون وقتی کارگردان دست شما را در بازیگری باز می‌گذارد کار برای بازیگر راحت‌تر است خوشبختانه آقای فرجام هم از قبل می‌دانست چه می‌خواهد. این خیلی مهم است که کارگردان بداند چه می‌خواهد در حالی که در برخی از پروژه‌ها اصلاً این اتفاق نمی‌افتد.



باق

آزاده سدیری، بازیگر:

از وقفه ۷ ساله در اکران فیلم خیلی ناراحت شدم

وقفه در اکران پروژه‌های سینمایی برای یک بازیگر جوان چه پیامدها و حسی بدنبال دارد؟

هر چیزی در زندگی اگر به موقع اتفاق نیفتد بعدها دیگر آن کارایی را ندارد و در سینما نیز همین‌گونه است. قطعاً اگر همان ۷ سال پیش که این فیلم ساخته شده بود، اکران می‌شد برای تمام بازیگران فیلم اتفاقات دیگری می‌افتاد. در شغلی که ما داریم بهتر است بازیگر در هر نقشی که بازی می‌کند، همان زمان دیده شود تا بتواند کارهای بیشتری انجام داده و پیشرفت کند.

کاراکتر مریم که شما بازی می‌کنید کاراکتری شکاک و پر خاشاک است و با تصمیم‌گیری‌های آنی و از سر خشم خود و اطرفیان‌ش را به دردسر می‌اندازد. در مورد این کاراکتر و نقش پردازی روی آن بگویید.

به نظر من مسعود فرجام در کار خودش یک فرد بسیار حرفه‌ای است و با اینکه در زمان ساخت این فیلم ۷ سال جوان‌تر بود اما مدیریتش روی این مسئله خیلی خوب بود و خیلی با ما تمرین و راجع به نقش‌ها صحبت کرد. از آنجایی که اولین فیلم سینمایی بلندش هم بود مسلماً خیلی برایش اهمیت داشت. در واقع تمام فوکوس و تمرکزش را روی بخش پیش از شروع فیلمبرداری گذاشت. آقای فرجام ما ۵ نفر را جمع می‌کرد و دورخوانی‌های زیادی انجام می‌دادیم تا بتوانیم نقش‌ها را در بیاوریم و این خیلی کمک کرد تا من بتوانم با کاراکتر مریم ارتباط بگیرم و بدانم که باید چه جنس دختری را بازی کنم کما اینکه این کاراکتر اصلاً شبیه من نیست.

این پروژه به صورت کلی چه تجربه‌ای به شما افزود؟

من پیش از این پروژه‌های آنقدر سخت و سنگین را انجام نداده بودم،

کمک کرد و امیدوارم که این حس ایجاد شده باشد و مخاطب در گیر آن فضا شود. شاید اگر رئال تدوین می‌شد نمی‌توانست این تأثیری که تند بودن و کات‌های پشت هم دارد را روی مخاطب داشته باشد.

ما نمونه چنین تدوینی را در فیلم برگشت ناپذیر هم دیده‌ایم.

بله البته من نمی‌توانم بگویم که مستقیماً از این فیلم‌ها تأثیر گرفته‌ام چون در زمان تدوین فیلم اصلاً به فیلم دیگری فکر نکردم اما طبیعتاً در ذهن هر هنرمندی از اثرهایی که دیده است تأثیری به جای مانده و حتماً فیلم‌هایی بوده که خودش فراموش شده اما آن تکنیک و حال و هوایی که در ذهن مان ساخته را در جایی استفاده می‌کنیم. ولی اینکه بگویم قالب آن بوده و سعی کردم به آن حال و هوا نزدیکش کنم نه اینگونه نبود. قالب‌های نزدیک به این و شکل تدوین فیلم «آموروس پروس» (عشق سگی) و آن روایت غیر خطی‌اش یا مثلاً فیلم «۲۱ گرم» که از همان قالب و فرم با شکلی متفاوت‌تر استفاده می‌کند و من آن سینما را دوست دارم ولی اینکه بگویم سعی کردم اینکار را انجام دهم و یا اینکه در ذهنم بود نه اینگونه نبوده ولی احتمالاً تحت تأثیرش بوده‌ام.

با این که این فیلم پس از ۷ سال در ایران اکران شده ولی در بخش جهانی موفق بوده است.

بله، بخش بین‌الملل فیلم از سال ۱۴۰۱ آغاز و موفق شد در جشنواره فیلم‌های سانفرانسیسکو جایزه بهترین فیلمنامه را به خاطر نوع ساختاری که داشت بگیرد و آقای حسین قورچیان برای طراحی صدای این فیلم از جشنواره IFFI INDIA جایزه بهترین صداگذاری را گرفتند و در چندین جشنواره هم کاندید کارگردانی، تدوین و فیلمنامه شده است.

سخن پایانی

واقعاً دوست دارم مخاطبان از سینمای مستقل حمایت کنند و امیدوارم که فیلم ما را ببینند و از دیدنش لذت ببرند.